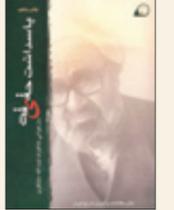


پیام‌ها

پیش‌خوان

نقد درون ساختاری آیت‌الله حسینی منتظری به چاپ ششم رسید گامی در «پاسداشت حقیقت»

■ **محمد رضا کاتبینی**

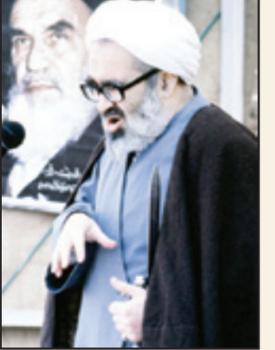


اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در عداد نخستین نقدهایی است که پس از انتشار خاطرات آیت‌الله حسینی منتظری و درباره آن نشر یافت و مورد توجه تاریخ‌پژوهان

قرار گرفت. این عیار سنجی تاریخی، اینک به چاپ ششم رسیده و پیوستی نیز از نقدهای وارده بر خویش دارد. عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر تاریخ معاصر و از مولفان این کتاب، در دیباچه واپسین چاپ آن چنین آورده است:

«نزدیک شدن به حقایق تاریخی، پیمودن راهی دشوار و پر فراز و نشیب را طلب می‌کند. تصور اینکه با غلبه دادن یک روایت- حتی به فرض قطعی و موقف پنداشتن آن- کمکی به شفاف‌سازی رخدادهایی پیچیده ن‌موده‌ایم، امری خطاست. در روزگار کنونی که فراگیری ابزارها، امکان ثبت و ضبط روایات گوناگون و بعضاً متناقض را برای همگان بسیار آسان ساخته است، جلب توجه اهل تحقیق به روایاتی که آنان را به تأثیر گذاران در یک رخداد مهم نزدیک می‌سازد، می‌تواند از بسیاری از سر درگمی‌ها بکاهد. از این رو قبل از چاپ نقد خاطرات آیت‌الله منتظری، کمی آن را شخصاً به فردی سپردم که می‌دانستم بعد از مهدی هاشمی، در تهیه و تدوین آثار مربوط به این شخصیت، نقش مستقیم و بعضاً غیر مستقیم دارد. خوشبختانه در این ملاقات حضوری، قول اجابت در خواست مکتوب کردن ایرادات و ضعف‌های احتمالی در نقد خاطرات داده شد، اما حتی پیگیری‌های مستمر بعدی نیز نتوانست وعده داده شده را عملی سازد، تا اینکه با فاصله زمانی طولانی، کتاب حاضر به چاپ رسید.

تأخیر مورد اشاره از این رو بود که مسئولان وزارت



▼ **۱۳۵۹** آیت‌الله حسینی منتظری

در حال ایراد عطیه‌های نماز جمعه قم

فرهنگ و ارشاد اسلامی دوران دوم خرداد و بعد از کشاکش فراوان بر نسخه تئوسلمی مهر غیر چاپ چاپ زدند! این موضع مقامات امور فرهنگی و نشر سبب شد تا یک دنیا گلابه راهی جز جماران پیر روی خود نبینیم. نواده و مسئول نشر آن یاز سفر کرده، در فرصت سواست تا بعد از مطالعه و

کسب نظر چند تن از افرادی که به آیت‌الله منتظری هم‌چنان ارادتی داشتند، نظر خود را اعلام کند. بعد از هفته‌ای انتظار، اثر حاضر از دیدگاه‌ای عزیز و نیز سایر عزیزان مدنظر ایشان بسیار منصفانه ارزیابی شد. اعتراض جمارانیان به توقف‌کنندگان اثر طولانی بود. در ادامه استقبال اهل فرهنگ و نظر، شاعرگان نیز درون سلسلکاری خاطرات آیت‌الله رسانند. اکنون بعد از گذشت یک دهه، مراجعات متعدد و مطالبه اثری که موضوع آن را پایان یافته می‌پنداشتیم، ما را در مسیر تدارک چاپ ششم آن قرار داده است. خوشبختانه آن یاد برنده عهد قبل از چاپ کتاب در سال ۱۳۸۰، سال گذشته جوابیه‌ای را به پنهان‌های دیگر در همین زمینه مکتوب کرد که به همراه توضیحاتی بر آن به عنوان بیوست چاپ ششم خاطرات، تقدیم حضور علاقمندان و محققان می‌شود. البته چاپ این جوابیه بدان معنا نیست که ما بر مطالب طرح شده توسط یکی از نزدیک‌ترین افراد به آیت‌الله منتظری صحه می‌گذاریم، بلکه صرفاً مطالعه هم‌زمان دو دیدگاه را زمینه‌ساز همه جانبه‌نگری در خواننده محترم می‌پنداریم، چراکه از ابتدا تلاشمان بر مهیا شدن بستر تحقیقی دو سویه بود که البته با تأخیر فراوان به ثمر نشست.

این مطلب که اهل مطالعه چه در صدی از نظرات و دیدگاه‌های فترت مطالعات و تدوین تاریخ ایران و چه در صدی از مطالب جوابیه را قرین به صحت بدانند، برآیند در اولویت دوم قرار دارد. اولویت اول در این وادی، تقویت روحیه پژوهشگری به عنوان تنها راه غلبه بر پیچیدگی‌های تاریخی است…»

■ **سمانه صادقی**

آغازین بخش این گفت‌ووشنود را روز گذشته از نظر گذرانیدند. اینک واپسین بخش از آن را پیش‌روی دارید. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

ساختار اقتصادی کشور پیش از برکشیدن رضاخان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ساختار اقتصاد، قبلاً براساس تولیدبود و مالیات، براساس تولیداز مردم اخذ می‌شد.روابط اقتصادی هم بر اساس تولید بود، یعنی کسی به استخدام دولت در نمی‌آمد، مگر اینکه قبل از آن درآمد دیگری از سوی او ایجاد شده باشد. براساس آن در آمد، او می‌توانست به خدمت دولت در آید.اما پس از اینکه ساختار اقتصادی تغییر کرد، کشور به سوی واردات از محل درآمدهای نفتی رفت و روابط استخدامی هم متحول شد.البته درآمدهای نفتی کشور در دوران رضاخان خیلی بالا نبود. ما در آن دوره، اساساً امکان مانور دادن روی قیمت نفت را نداشتیم، چون در آن روزگار، تنها اجازه داشتیم تا نفت‌مان را به انگلیسی‌ها بدهیم. اجازه بستن قرارداد نفتی، با هیچ کشور دیگری را نداشتیم. در زمینه صادرات نفت، انگلیسی‌ها به صورت مطلق بر ما تسلط داشتند. نه فقط در خصوص نفت جنوب که در مورد آن قرارداد بی‌بسته بودند، بلکه برای تمام نفت‌های تولیدشده در ایران، انگلیسی‌ها به تعهد ما در شمال‌ایران نفت پیدا شد، ما به هیچ‌وجه نمی‌توانستیم با کشورهای دیگری چون: امریکا، آلمان و فرانسه قرارداد بی‌بندیم. حال آنها که جزو کشورهای بلوک غرب بودند، ما حتی با اتحاد جماهیر شوروی هم نمی‌توانستیم قرارداد نفتی ببندیم! چون نماد بلوک شرق و قدرت معارض با غرب بود و انگلیسی‌ها به شدت نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند. بنابراین تولید نفت ما به‌گونه‌ای بود که تنها می‌توانستیم واردات اندکی داشته باشیم، اما بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت، مسئله به تدریج تفاوت پیدا کرد.

این تفاوت از چه جنبه‌هایی بود؟

نهضت ملی نفت ایران موجب شد جامعه ما نسبت به روابط اقتصاد و سیاسی حاکم، آگاهی خوبی به دست آورد و این مروهان ایجاد یک شرایط ویژه بود. چون دیکتاتوری‌ای که پیش از آن انگلیسی‌ها به واسطه رضاخان ایجاد کرده بودند، جلوی هر گونه آگاهی و تصمیم اجتماعی را می‌گرفت. مجلس کاملاً فرمایشی و دست‌نشانده بود و حتی انگلیسی‌ها در تعیین نمایندگان آن دولت مستقیم می‌کردند که فلان فرد باید یا نباید باشد. محمد ارجمند سرپرست تلگرافخانه رضاخان در کتاب خاطرات خود با عنوان «۶ سال در دربار پهلوی» می‌گوید: «تعیین شد که حتماً نام من از صندوق رأی دربیاید اما بعد نام من را حذف کردند! پیگیری کردم که علت چه بود؟ متوجه شدم که چون قبل از اینکه تلگرافی رضاخان باشم، مدتی طلبه بودم، انگلیسی‌ها دستور داده‌اند که نام من از لیست حذف شود…» البته ارجمند خودش هم آدم فاسدی بود و بعدها او را از



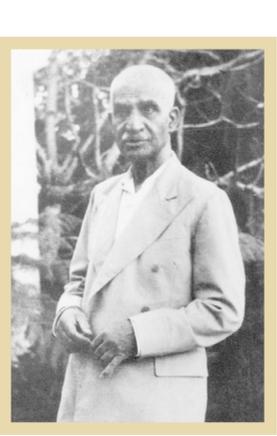
«**تحلیلی از سیاست نابود ساختن عشایر**

در دوره پهلوی اول» در گفت‌وشنود با عباس سلیمی‌نمین – بخش پایانی

رضاخان در جریان حمله متفقین

۴ بار از تهران فرار کرد!

سیستم حذف کردند. علت اینکه یک طلبه را به عنوان سرپرست تلگرافخانه رضاخان گذاشته بودند هم این بود که رضاخان سواد نداشت، ولی ارجمند با سوادى که داشت، می‌توانست تلگراف‌ها را به خوبی دریافت و ارسال کند. رضاخان هم علی‌القاعده، با چنین آدم ایمنی مشگلی نداشت. به هر حال علاوه بر مجلس مطلق انگلیسی‌ها بر دست‌نشانده، حتی آدم‌های غربگرایى مانند علی‌اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز و… هم از دم تیغ رضاخان گذشته بودند. می‌خواهم بگویم هیچ دستگاهی در دوران سلطه مطلق انگلیسی‌ها بر ایران وجود نداشت که اطلاعاتی به جامعه بدهد.بنابر این چون جامعه اطلاعی از وضعیت نداشت، نمی‌دانست در قاضیه صادرات نفت، چه بلایی بر سر ما می‌آید. در



۱۳۲۴. در رضاخان هنگام اقامت در ژوهانسبورگ

این تفاوت از چه جنبه‌هایی بود؟

نهضت ملی نفت ایران موجب شد جامعه ما نسبت به روابط اقتصاد و سیاسی حاکم، آگاهی خوبی به دست آورد و این مروهان ایجاد یک شرایط ویژه بود. چون دیکتاتوری‌ای که پیش از آن انگلیسی‌ها به واسطه رضاخان ایجاد کرده بودند، جلوی هر گونه آگاهی و تصمیم اجتماعی را می‌گرفت. مجلس کاملاً فرمایشی و دست‌نشانده بود و حتی انگلیسی‌ها در تعیین نمایندگان آن دولت مستقیم می‌کردند که فلان فرد باید یا نباید باشد. محمد ارجمند سرپرست تلگرافخانه رضاخان در کتاب خاطرات خود با عنوان «۶ سال در دربار پهلوی» می‌گوید: «تعیین شد که حتماً نام من از صندوق رأی دربیاید اما بعد نام من را حذف کردند! پیگیری کردم که علت چه بود؟ متوجه شدم که چون قبل از اینکه تلگرافی رضاخان باشم، مدتی طلبه بودم، انگلیسی‌ها دستور داده‌اند که نام من از لیست حذف شود…» البته ارجمند خودش هم آدم فاسدی بود و بعدها او را از

داشت. بنابراین آنچه موجب شد ملت ایران دست به یک حرکت اعتراضی بزند، اطلاعاتی بود که دریافت کرد.

بر انداختن رضاخان توسط انگلستان و پیش آمدن یک آگاهی ناگزیر بر ملی‌با برکشیدن او از بنیاط و وثیق دارد. مناسب است به عنوان معترضه و در این بخش از گفت‌وگو اشاراتی در این باره داشته باشید.

علت انتخاب رضاخان توسط انگلیسی‌ها آن بود که با کمترین هزینه، بتوانند اراده خودشان را در ایران دنبال کنند. چون وقتی بسا چندین مرکز قدرت مواجه بودند، نمی‌توانستند اراده خود را به راحتی محقق کنند.بنابراین در این مقطع، سلطه و استبداد کاملاً با هم گره می‌خورد و هر دو حافظ و صیانت‌کننده یکدیگر می‌شوند. بیگانه

د

در دوره رضاخان ما فقط اجازه داشتیم تا نفت‌مان را به انگلیسی‌ها بدهیم!
اجازه بستن قرارداد نفتی با هیچ کشور دیگری را نداشتیم. نه فقط در خصوص نفت جنوب که در مورد آن قراردادی بسته بودند، بلکه بعدها هم که در شمال ایران نفت پیدا شد، ما به هیچ‌وجه نمی‌توانستیم با کشوره‌های دیگری چون امریکا، آلمان و فرانسه قرارداد بی‌بندیم، در حالی که آنها جزو کشورهای بلوک غرب بودند. ما حتی با اتحاد جماهیر شوروی هم نمی‌توانستیم قرارداد نفتی ببندیم. چون نماد بلوک شرق و قدرت معارض با غرب بود و انگلیسی‌ها به شدت نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند

داشت. بنابراین آنچه موجب شد ملت ایران دست به یک حرکت اعتراضی بزند، اطلاعاتی بود که دریافت کرد.

بر انداختن رضاخان توسط انگلستان و پیش آمدن یک آگاهی ناگزیر بر ملی‌با برکشیدن او از بنیاط و وثیق دارد. مناسب است به عنوان معترضه و در این بخش از گفت‌وگو اشاراتی در این باره داشته باشید.

علت انتخاب رضاخان توسط انگلیسی‌ها آن بود که با کمترین هزینه، بتوانند اراده خودشان را در ایران دنبال کنند. چون وقتی بسا چندین مرکز قدرت مواجه بودند، نمی‌توانستند اراده خود را به راحتی محقق کنند.بنابراین در این مقطع، سلطه و استبداد کاملاً با هم گره می‌خورد و هر دو حافظ و صیانت‌کننده یکدیگر می‌شوند. بیگانه

استبداد را تقویت می‌کند، استبداد هم سلطه بیگانه را پشتیبانی می‌کند. شواهد این مسئله را ما در نهضت ملی شدن صنعت نفت کاملاً شاهد هستیم. چون در ماجرای ملی شدن، یک حرکت کلان اجتماعی براساس آگاهی شکل گرفت. هیچ کس در جامعه ایران که در جامعه بین‌الملل هم حق را به انگلیس نمی‌داد. نفت برای ملت ایران بود و خودش هم باید و هم می‌توانست در مورد آن تصمیم بگیرد و قرارداد ببندد. حال فرض کنید در آن دوره، انگلیس پیشنهاد دادی عادلانه در مورد جنوب را داشت، ایران می‌توانست به قرارداد با امریکایی‌ها درباره نفت شمال هم فکر کند. اصلاً فرض می‌کنیم که در نظر گرفتن ۱۶ سنت برای فروش نفت جنوب عادلانه بود که البته به هیچ‌وجه اینطور نبود، اما رضاخان داور را به دلیل اینکه با امریکایی‌ها قرارداد می‌بندد، می‌کشد. علی‌اکبر داور که در شکل‌گیری حکومت او نقش بسیار مؤثری داشته است! اما رضاخان تردیدی در این موضوع نمی‌کند، چرا؟ چون در غیر این صورت، سلطه مطلق انگلیسی‌ها به چالش کشیده می‌شد. در خاطرات دکتر مصدق آمده است:

«در یادار شاهین نامه نوشت علاوه بر این صادرات رسمی که ما بر آن نظارت نداشتیم، انگلیسی‌ها لوله‌های مخفی از زیر خاک به عراق برده و از آنجا نفت را خارج می‌کرده‌اند…» این گزارش رسمی به دکتر مصدق به عنوان رئیس دولت رسیده است. این اطلاعات به جامعه رسید و ملت دست به قیام زد! شما توجه کنید به آن رابط‌های که بین استبداد و سلطه وجود داشت. بفرم اینکه همه قبول داشتند نفت حق ملت ایران است، مردم در فقر مطلق زندگی می‌کردند و شرایط بسیار سختی داشتند. ۷۰ درصد از جمعیت کشور، نه تنها یک ریال از درآمدهای نفت کشور بهره‌ای نمی‌بردند، بلکه از خدمات اجتماعی هم کاملاً بی‌بهره بودند. حال امروزه برخی می‌گویند در آن دوره وضعیت ملت ایران در شهرها خوب بود. اولاً؛ همه جمعیت کشور، شهر نشین‌ها نبودند. ثانیاً؛ شهر نشین‌ها هم در همان دوران، براساس خاطرات سران رژیم پهلوی، وضع فلاکت‌زبان داشتند! بنابراین با توجه به این نکته، در خواهید یافت که چرا در جریان نهضت نفت، انگلیسی‌ها همه تلاش خود را بر این نقطه متمرکز کردند که شمار بر این قضیه ورود کنید…» پس از اخراج رضاخان از ایران، یک فرصت‌شناسی برای آگاهی یافتن ملت ایران ایجاد شد و آن‌هم جنگ جهانی دوم،البته انگلیسی‌ها چون می‌خواستند خیزش ملت ایران را کنترل کنند، نمی‌توانستند از شکل‌گیری این فضای آزاد به طور کامل جلوگیری کنند.

رویداد جنگ جهانی دوم، چگونه توانست فضاهای خفقان و دیکتاتوری رضاخان را در هم بشکند و قدری به ملت مجال تنفس بدهد؟

جنگ جهانی دوم، آن سلطه مطلق انگلیسی‌ها را به چالش کشید.این به چالش کشیده شدن، فضای تنفسی را برای ملت ایران ایجاد کرد. مردم ایران کم‌کم متوجه شدند در دوران سلطه مطلق انگلیسی‌ها، چه بر ما گذشته است. مطالبی افشا شد که حتی خواص هم اصلاً از آن اطلاعی نداشتند. مثل بازی تمدیدی قرارداد داری توسط رضاخان در سال ۱۳۱۴ که اصلاً کسی نفهمید اصل ماجرا و مفاد قرارداد چه بود؟ در دوران سلطه انگلیسی‌ها بر ایران خفقان به حدی بود که دکتر مصدق می‌گوید: «ها» در جلسات خصوصی دو نفره هم جرئت نمی‌کردیم راجع به قرارداد داری صحبت کنیم…» یعنی آنقدر در خصوص این قضیه احتیاط می‌کردند، حال با وجود اینکه دکتر مصدق آنقدر احتیاط می‌کرد و حتی در احمدآباد ساوجبلاغ شده بود و هیچ دخالتی در مسائل سیاسی نداشت، باز هم رضاخان او را دستگیر می‌کند! چون می‌داند مصدق، مخالف عملکرد اوست. حتی امکان داشت که در زندان و مانند بسیاری دیگر، به دستور رضاخان اعدام شود. هر چند این مسئله مصادف شد با انتهای حکومت رضاخان و مسائل دیگری اتفاق افتاد. در حالی که مثلاً امروزه در کشور، به دلیل عدم تمرکز ساختار قدرت، همه جامعه‌از همه چیز اطلاع دارند. حتی می‌توان گفت بیش از حد، همه مسائل در جامعه آشکار است.

اشاره کردید به تغییرات در مفاد قرارداد نفتی دوره رضاخان. این تغییرات از چه قرار بود؟

در قراردادی که مجدداً رضاخان امضا کرد، حکمیتی که به نفع ایران بود، حذف شد. بند مربوط به بر جای گذاشتن همه تجهیزاتی که در طول قرارداد، وارد ایران می‌شد و باید بعد از پایان قرارداد رایگان به ملت ایران واگذار می‌شد نیز حذف شد! در واقع بسیاری از پن‌دهای قبلی قرار داد، حذف شدند. ضمن اینکه قرارداد قبلی اصلاً تأیید مجلس شورای ملی را نداشت، ولی قرارداد جدید را در مجلس تصویب کردند که مثلاً مردم ایران به سختی نتوانند آن را لغو کنند، چون پیش از تصویب مجلس، ملت ایران به سهولت می‌توانست این قرارداد را حذف کند و مشکل کمتری در این زمینه

جوان

و مستقل از رضاخان، در برابر آنها از مصالح ملی دفاع کند. داور هم معتقد بود ما می‌توانیم منافع خود را از نفت بیشتر کنیم. این افراد با وجود آن که غربگر بودند، اما در کنار این مسئله می‌خواستند تا مردم ایران هم برخوردار ی بیشتری داشته باشند. این افراد حافظ سلطه بیگانه و بستن قرار داد با انگلیسی‌ها بودند، ولی اعتقاد داشتند ما هم باید بتوانیم از طریق فروش نفت‌مان بهره بیشتری ببریم. اگر این اطلاعات به جامعه می‌رسید که انگلیسی‌ها بر سر عناصر غربگرای خود که حافظ منافع آنها در ایران بودند، چه آورده‌اند، برای انگلیسی‌ها زبانبار بود.البته هنوز هم برخی معتقدند رضاخان چون در برابر انگلیسی‌ها ایستاد، او را از سلطنت خلع کردند و خواستند از ایران برود!خیر، اصلاً اینطور نیست. اگر رضاخان اقدامی علیه انگلیسی‌ها می‌کرد، آیا آنها به نفع او چنین فضا سازی‌هایی می‌کردند؟

گو با پس از حمله متفقین به ایران، بر اثر انتقال اخبار غلط به رضاخان، او چندین بار هم از پایتخت فراری می‌شود! اینطور نیست؟

بله. رضاخان در چنان شرایطی و از ترس جان خود، قبل از ورود قوای ارتش سرخ، انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها به تهران می‌خواست فرار کند.این ماجرا در خاطرات فریدون جم، ابوالحسن ابتهاج و حتی جعفر شریف‌امامی رئیس فراماسونری در ایران هم آمده‌است. رضای براساس اطلاعات غلطی که به‌او داده بودند، مبنی بر اینکه قوای متفقین در راه تهران هستند، چهار بار فراری می‌کند! او حتی تا نزدیک قم می‌رود، ولی بعد به او اطلاع می‌دهند که قوای متفقین، همچنان در قزوین مستقر هستند و راهی تهران نشده‌اند، لذا وی مجدداً به تهران برمی‌گردد.

این ادعا که رضاخان به واسطه طرف‌داری از آلمان‌ها مورد خشم انگلیسی‌ها

واقع شد تا چه حد به واقعیت نزدیک است؟ چون این نکته نیز از سوی تاریخ

پژوهانی با گرا بیسات گوناگون به کرات بیان می‌شود.

خیر، این‌صحت‌ها همگی دروغ و تاریخ‌سازی است. اگر رضاخان کوچک‌ترین اقدام خیاتی علیه انگلیسی‌ها انجام داده بود، آیا باز هم از سوی انگلیسی‌ها اینقدر مورد لطف و مساعدت قرار می‌گرفت؟ به عنوان مثال، آیا انگلیسی‌ها ثروتی را که رضاخان غارت کرده بود، از او باز پس گرفتند؟ خیر، بلکه آنها همه آن ثروت را به پسر و خانواده رضاخان تحویل دادند. از نسوی دیگر اگر واقعاً انگلیسی‌ها نسبت به رضاخان خشم داشتند، نباید به پسرش اجازه می‌دادند که پادشاه شود. همه الطافی که به خانواده پهلوی می‌شود، نشان از این دارد که رضاخان در برابر انگلیسی‌ها ناپسندانه است. اگر ایستادی صورت گرفته بود، دودمانش را بر باد می‌دادند. امکان ندارد کسی به انگلیسی‌ها خیانت کند، اما آنها پادشاهی را در خانواده‌اش تثبیت کنند. این ادعا بسیار ساده‌اندیشانه است. انگلیسی‌ها

چنین موضوعی را ترویج دادند که بگویند رضاخان، آدم مستقلی بوده است! اگر رضاخان ملی بود، نه تنها نباید داور را می‌کشت، بلکه خودش هم باید به آلمان‌ها امتیاز نفتی می‌داد. آیا رضاخان به آلمان‌ها امتیاز نفتی داده است؟ آن‌هم در اوج نیاز آلمان‌ها به نفت؟ چون اگر رضاخان به آلمان‌ها نزدیک می‌شد، اولین چیزی که از او مطالبه می‌کردند، نفت بود. مسئله نسبت ایران دوران رضاخان با آلمان‌ها باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. نازیس‌م مثل صهیونیسم، براساس نیاز جریان سرمایه‌داری شکل گرفت. در واقع جامعه سرمایه‌داری برای حل مشکل خودش مولودی جدید را به میدان آورد. بنابراین خود انگلیسی‌ها، اول مشوق و ترویج دهنده نازیس‌م بودند، اما بعداً با هم درگیر شدند! امکان دارد در یک زمانی صهیونیست‌ها هم با امریکایی‌ها درگیر شوند. امکان دارد زمانی گروهی در امریکاروی کار بیابند که بگویند چرا ما باید سالی چندین میلیارد دلار به صهیونیسم بدهیم؟ این علیه منافع و مصالح ملی ماست. آیا میان آنها درگیری ایجاد خواهد شد؟ قطعاً خواهد شد.

در ابتدای گفت‌وگو اشاره کردید که عشایر، هیچ‌گاه گرایش به گریز از مرکز نداشتند. آیا در نتیجه اقدامات رضاخان، عشایر چنین رویکردی پیدا کردند؟

بله. عشایر بعد از رفتن رضاخان، اقداماتی از این جنس انجام دادند، اما یکسری از کارها در مورد عشایر را هم بیگانه انجام داد. مثلاً در جریان حضور نیروهای انگلیسی، امریکایی و روسی، بستن قرارداد با امریکایی‌ها یا روس‌ها مطرح شد. این کشورها در ایران نیروی نظامی داشتند و مایل بودند از نیروهای خودشان در روند اجرای قرارداد استفاده کنند. لذا انگلیسی‌ها حرکتی را به‌صورت کاذب، در برخی مناطق عشایری شکل دادند که تهدیدی علیه درخواست روس‌ها و امریکایی‌ها باشد. به این منظور که اگر هر کدام از این کشورها خواستند در جهت بستن قرارداد نفتی اقدامی کنند، عشایر هم علیه آنها شورش کنند! البته با استفاده از عشایر فاسدی که در ارتباط با بیگانه بودند. بنابراین انگلیسی‌ها به واسطه اهرم عشایر نتوانستند جلوی انتقاد قرارداد نفتی ایران را امریکا و شوروی را بگیرند. همه اقدامات انگلیسی‌ها برای ای بودن که نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و امریکا را از ایران دست‌خالی بیرون برانند و این کار را هم کردند. نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و امریکا از ایران خارج شدند بدون اینکه هیچ قراردادی با آنها بسته شده باشد. اما قرارداد نفتی انگلیسی‌ها تا نزدیک دوره نهضت ملی ایران پایدار ماند. در دوران این نهضت، آگاهی و اقدام ملی علیه دولت انگلستان بالا گرفت و به مطالبه عمومی تبدیل شد.